

درباره دیدار احتمالی پاشینیان و علی اف با رئیس‌جمهور آمریکا در واشنگتن

# املاکی ترامپ شعبه قفقار



سیدمهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، کاخ سفید را به شکل یک دفتر املاک اداره می‌کند. او هنوز یک سال نشده، می‌خواهد پرونده ۶ساله کریدور جعلی زنگه‌زور را بسته و قرارداد آن را به نام آمریکا و کسب‌وکارهای خانوادگی خود بنویسد. در همین راستا، او در پی دیداری سه‌جانبه با نخست‌وزیر ارمنستان و رئیس‌جمهور آذربایجان است. دولت ارمنستان روز گذشته تأیید کرد که «نیکول پاشینیان»، نخست‌وزیر این کشور، قرار است از ۷ تا ۸ اوت (۱۶ تا ۱۷ مرداد) به ایالات متحده آمریکا سفر کند.
وبگاه خبری ماسپس‌پُست در این‌باره گزارش داد: دفتر نخست‌وزیری ارمنستان اعلام کرد که پاشینیان در واشنگتن دیداری دو‌جانبه با «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، با هدف تقویت مشارکت راهبردی بین ارمنستان و آمریکا خواهد داشت. احتمال می‌رود الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان نیز راهی واشنگتن شود.

#### نکات

تحول مرتبط با زنگه‌زور با اتفاقات سه سال اخیر غرب آسیا ارتباطی آشکار یافته است. این اتفاقات در همسویی قابل‌توجهی با یکدیگر قرار دارند و از این رو باید همراه هم بررسی شوند.

#### ۱- ترامپ و تعیین نرخ صلح

ترامپ به درگیری‌ها وارد شده و نرخ تعیین می‌کند. در جنگ اوکراین خواهان معادن این کشور شد و در پی جذب سرمایه‌گذاری روس‌ها بود؛ در جنگ هند و پاکستان به دنبال منابع معدنی و انرژی اسلام‌آبادرفت و کوشید با ملزم کردن دهلی‌نو به کاهش خرید نفت از مسکو، بازاری برای صادرات نفت شیل کشورش ایجاد کند. او همچنین در جنگ غزه درصدد تسلط بر خاک آن برآمد.

ترامپ ایده‌ای داشت که ساکنان غزه از آن خارج شده و این منطقه تحت کنترل ارتش آمریکا درآید و بخشی از این کشور شود. او در این صورت امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین کرده و با ایجاد سرپل مستقیم در غرب آسیا، به بخشی از منابع انرژی در مقابل سواحل غزه دست می‌یافت. ترامپ که از جنگ غزه این دستاوردها را می‌خواست، آشکار است که از قضایای دیگر توقع امتیازات بسیار بیشتری دارد.

#### ۲- جنگ‌های تسهیل‌کننده

جند جنگ تسهیل‌کننده برای زنگه‌زور شکل گرفته است؛ جنگ ۲۰۲۰ قفقاز که باعث از بین رفتن جمعیت ارمنی قریباغ شد، جنگ اوکراین که انداختن روسیه در آن باعث کاهش توجهش به دیگر مناطق شد و سقوط سوریه که زمینه را برای ضربه مستقیم به ایران و اتصال رژیم صهیونیستی به ترکیه و قفقاز فراهم کرد.

#### ۳- دو بازیگر کوچک، فعال، در همه‌جا

بازیگران متعددی در این قضایا حضور دارند، اما گستره نقش آفرینی دو دولت کوچک آذربایجان و امارات در آن‌ها نامعمول است.

#### ۴- همگرایی بالای ترکیه و رژیم صهیونیستی

در برهه کنونی، جدا دانستن ترکیه و رژیم صهیونیستی برآوردی اشتباه است. ترکیه در طول جنگ طوفان الاقصی مدت‌ها سکوت کرد و پس از تشدید سنگین فشارها علیه خود، انتقاداتی نسبت به تل‌آویو مطرح کرد. تجارت ترکیه از نظر ترانزیت انرژی و ارسال کالا به سرزمین‌های اشغالی افزایش یافت.

طسی دو عملیات «وعده صادق ۱ و ۲» صلح مهمی برای دفاع از رژیم صهیونیستی بود و در جنگ ۱۲ روزه نیز در تهاجم به ایران مشارکت داشت. ترکیه نقش خود را در این‌باره عمدتاً با توجیه استفاده آمریکا از خاک خود توضیح می‌دهد، اما این مسئله نافی حاکمیت آنکارا و مسئولیت‌هایش نیست. پس از جنگ، رئیس دانشکده سازمان اطلاعات ترکیه موسوم به میت، ارزیابی جانبدارانه‌ای از جنگ ایران با رژیم صهیونیستی و آمریکا ارائه داد که در آن،

### هوشنگ شیخی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از نبرد روایت‌ها در جنگ ۱۲ روزه گفت

## گروهک‌های تروریستی؛ اتاق عملیات جنگ‌شناختی علیه ایران

در فضایی پیچیده جنگ ترکیبی-شناختی اخیر، **گروهک‌های تروریستی** با بهره‌گیری از سه مؤلفه کلیدی -روایت‌سازی هدفمند، تروریسم سایبری و عملیات روانی دیجیتال- نقش محوری در تهدید امنیت ملی ایفا می‌کنند. این گروه‌ها با سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی، هم‌زمان حملات سایبری و روانی را برای ایجاد و تشدید آشوب‌های اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از نظام جمهوری اسلامی مدیریت می‌کنند، همان‌گونه که در نبرد دوازده روزه اخیر شاهد به‌کارگیری تاکتیک‌های نوینی مانند تولید محتوای شوک‌آور، فراخوان‌های خشونت‌آمیز و القای ناکارآمدی بودیم. هوشنگ شیخی، پژوهشگر ارشد پژوهشکده سیاست‌پژوهی حکمت در این گفت‌وگو به تحلیل جامع این تهدیدات پرداخته و ضمن بررسی سازوکارهای جنگ شناختی گروهک‌های تروریستی، راهکارهای عملی مقابله با آن‌ها ازجمله ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت کنشگری نخبگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای رصد و خنثی‌سازی کمپین‌های مخرب را تشریح می‌کند.

🇷🇺🇮🇷🇵🇸

**سه مؤلفه کلیدی جنگ ترکیبی-شناختی ای که گروهک‌های تروریستی در آن نقش محوری دارند، کدامند؟**

گروه‌های تروریستی چه در روایت وجودی، چه ساختاری و چه کارکردشان اساساً روایت‌سازی را همواره در دستور کار قرار می‌دهند؛ به‌طوری‌که بر مبنای همین روایت‌سازی است که دگرسازی، دگرستیزی، کین‌توزی و خشونت را در پی می‌گیرند. روایت‌سازی در راستای کین‌توزی و چهارچوب‌بندی این گروه‌ها از واقعیات، پیوسته در جنگ شناختی دشمنان ایران به عنوان بخشی از جنگ ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. القای ناکارآمدی، عملیات روانی با هدف اعتمادزدایی و مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی کشور بخشی از تکنیک‌هایی است که ذیل مؤلفه روایت‌سازی به کار گرفته می‌شوند. البته از مؤلفه‌ای همازند تروریسم سایبری هم مکرراً بهره می‌برند به‌طوری‌که کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که در افشای ماهیت گروه‌های تروریستی سخن گفته باشد و شخصاً مورد هتک حرمت و یا تهدیدات جانی مجازی قرار نگرفته باشد. تروریسم سایبری با تعریف موسع آن یعنی از اقدامات سایبری



تهران مقصر وقوع جنگ معرفی شده بود.

ترکیه در جریان جنگ رژیم صهیونیستی و مقاومت لبنان بازی آشکارتری داشت و تنها ساعاتی پس از آتش‌بس میان طرفین، در اقدامی برای خارج کردن تل‌آویو از تنگنا، عملیات ساقطسازی نظام سوریه را آغاز کرد.

#### ۵- اشتباه روسیه

جنگ اوکراین باعث شده تا در قفقاز و آسیای میانه نفوذ روسیه بیش از پیش تضعیف شود و خلأیی شکل گیرد، اما این خلأ نه از سوی چین و ایران، بلکه از سوی ناتو در حال بر شدن است. روس‌ها در حالی‌که تضعیف نفوذ خود را درک می‌کردند، توقع داشتند چین و ایران به جهت رعایت حال مسکو قدمی برای پر کردن این جای خالی برندارند. در نتیجه، ناتو به سهولت نفوذ خود را تقویت کرد.

#### ۶- دلیل رفتارهای بی‌محابای باکو علیه شرق

آذربایجان در ماه‌های اخیر، رفتارهای ضدروسی خود را تشدید کرده و علیه چین نیز موضع‌گیری داشته است. توصیه به اوکراین برای مقابله با اشغالگری روسیه و آغاز صادرات گاز به این کشور برای نخستین بار، نقاط عطف این تقابل بوده‌اند. آذربایجان با اتکا به کدام دیوار نظامی و امنیتی این‌گونه روسیه‌را به چالش می‌کشد؟ آشکار است که باکو با ضمانت‌های امنیتی مطمئن غرب این‌گونه بازی می‌کند.

#### ۷- سه کریدور، هفت خواهران جدید

هدف بزرگ سه کریدور آ‌آ‌مک، داوودو زنگه‌زور و تحولات رخ‌داده در پی آن‌ها، ایجاد مجموعه‌ای بزرگ و همه‌شمول در حوزه انرژی است. با سقوط سوریه و فشار بر غزه و لبنان، دشمن می‌تواند بر میادین مدیترانه مسلط شود و با کریدور داوود، بر منابع نفتی در شرق سوریه و غرب عراق دست یابد. در کریدور زنگه‌زور نیز سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به‌عنوان دارندگان انرژی مطرح هستند. در آ‌آ‌مک اما مسئله انرژی با کانون قرار گرفتن خلیج فارس بسیار واضح است. از طریق اتصال این کریدورها، منابع انرژی خلیج فارس، مدیترانه، عراق، قفقاز و آسیای میانه به یکدیگر متصل شده و در پی آن، هویت‌های سیاسی، امنیتی و نظامی همگراتر میان آن‌ها شکل می‌گیرد.

#### ۸- بازی صفر با ایران

روسیه قرار است از اوکراین سهمی ببرد و از سوریه نیز خارج نشود، اما در خصوص ایران، اخراج و انزوای کامل مدنظر است. همچنین در برابر چین نیز امتیازاتی ارائه خواهد شد. تلاش برای صفر کردن امتیازات ایران دلایلی دارد. اولین دلیل، نوع نگاه ایران است؛ بر اساس دیدگاه جمهوری

### مقاومت مردمی؛ دفاع از خانه، دفاع از آذربایجان» در بستر فضای مجازی و خصوصاً تلگرام از شهروندان عادی خواست به هر سلاحی اعم از سرد یا گرم مسلح شوند و با احتمال بالای سقوط نظام سیاسی در آذربایجان غربی با کردهای این استان درگیر شوند.

### مقاومت مردمی؛ دفاع از خانه، دفاع از آذربایجان» در بستر فضای مجازی و خصوصاً تلگرام از شهروندان عادی خواست به هر سلاحی اعم از سرد یا گرم مسلح شوند و با احتمال بالای سقوط نظام سیاسی در آذربایجان غربی با کردهای این استان درگیر شوند.

## مقاومت مردمی؛ دفاع از خانه، دفاع از آذربایجان» در بستر فضای مجازی و خصوصاً تلگرام از شهروندان عادی خواست به هر سلاحی اعم از سرد یا گرم مسلح شوند و با احتمال بالای سقوط نظام سیاسی در آذربایجان غربی با کردهای این استان درگیر شوند.

مقاومت مردمی؛ دفاع از خانه، دفاع از آذربایجان» در بستر فضای مجازی و خصوصاً تلگرام از شهروندان عادی خواست به هر سلاحی اعم از سرد یا گرم مسلح شوند و با احتمال بالای سقوط نظام سیاسی در آذربایجان غربی با کردهای این استان درگیر شوند.

با توجه به شوک اطلاعاتی و نظامی کشور در روز اول تجاوز رژیم صهیونی به ایران و کشتار شهروندان ایرانی، گروهک‌های مذکور از طریق صفحات اینستاگرام و ایکس با تأکید بر کلان‌روایت «فروپاشی نظام سیاسی» با تکنیک ایجاد ترس و دلهره به فراخوان برای خرابکاری و شورش در داخل کشور روی آوردند که چنین صراحت لهجه و تعجیل، پیش از مشخص شدن وضعیت میدان نشان از یک هماهنگی با تجلوزگران به ایران و اقدام در راستای کلان‌روایت مدنظر رژیم صهیونی، تاکتیک جدید از سوی گروه‌های تروریستی پاک و دیرپرش برای کنشگری در مناطق کردنشین و آذری‌نشین با درپیش گرفتن مسیر رادیکالیسم و کین‌توزی داشت.

**برای خنثی‌سازی کمپین‌های هماهنگ گروهک‌های تروریستی در فضای مجازی، چه راهکارهای فناورانه و فرهنگی‌ای پیشنهاد می‌کنید؟**

کمپین‌های هماهنگ گروهک‌های تروریستی در فضای مجازی برای روایت‌سازی به نفع رژیم صهیونی در صورتی قابل خنثی‌سازی است که سواد رسانه‌ای ایرانیان ارتقا یابد و به‌واسطه شناخت جامعه از تاکتیک‌های جنگ شناختی و عملیات روانی قدرت تشخیص سرخه از ناسره در تولیدات رسانه‌ای و القانات شبکه‌های اجتماعی تقویت شود. البته نقش محوری برای فعالان رسانه‌ای و نخبگان هم در این میان می‌توان متصور بود؛ چراکه بخشی از نخبگان و خصوصاً نخبیگان اقوام در مقابل روایت‌سازی و عملیات روانی گروهک‌های معانده به‌واسطه تروریسم سایبری این گروه‌ها و کمپین هماهنگ گروهک‌ها وارد مارپیچ سکوت می‌شوند و بدون روشنگری و کنشگری عرصه عمومی را به این گروه‌ها واگذار می‌کنند. بنابراین با تقویت کنشگری عمومی و نخبگانی و همچنین جلوگیری از اقدامات تفرقه‌افکنانه و وحدت‌شکن نخبگان در حوزه‌های مختلف، بخش قابل‌توجهی از اقدامات کمپین‌های هماهنگ گروهک‌های تروریستی فعال در جنگ شناختی علیه مردم ایران و سربازان رسانه‌ای جنگ ترکیبی علیه ایران، قابل خنثی‌سازی است.

یادداشت

#### جدال ایدئال‌ها و واقعیت‌ها

#### در ذهن مرد دیوانه

#### مجتبی خراسانی خبرنگار

برخی تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل اصرار داشتند که حضور مجلد ترامپ در رأس هرم قدرت در واشنگتن، مترادف با بازگشت خودخواسته آمریکا به دکترین تمرکزگرایانه جیمز مونرو، رئیس‌جمهور اسبق این کشور، خواهد بود. «جیمز مونرو» در سال ۱۸۲۳ میلادی از دکترین خودرونمایی کرد و آن‌را به یکی از مبانی مهم راهبردی و رفتاری سیاست خارجی کشورش در طول دهه‌های متمادی تبدیل ساخت. این دکترین، برخلاف آنچه ادعا می‌شود، انزواگرایانه و مبتنی بر محدودکردن دامنه مداخله‌گرایی آمریکانید، بلکه صرفاً ماهیتی تمرکزگرایانه‌داشت. بر این اساس، حوزه آمریکائی لاتین و کشورهای استقلال‌یافته حوزه کارانبیست و آمریکای مرکزی به «کانون‌های اصلی مداخله‌گرایی» آمریکا تبدیل شس و در قبال دیگر نقاط دنیا، نسخه‌ای از «مداخله‌گرایی حذاقلی و محدود» تجویز گردید.

تأکید مکرر ترامپ در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ مبنی بر لزوم کاهش هزینه‌های مداخله‌گرایی خارجی و تمرکز بر مرزهای آمریکا، تصور باطلی را در میان شهروندان این کشور ایجاد کرده بود: تمرکززایی خودخواسته‌کاخ‌سفیداز مداخله‌گرایی در امور دیگر کشورها! اکنون در میانه‌سال ۲۰۲۵ میلادی قرار داریم. با گذشت حدود شش ماه از حضور ترامپ در کاخ سفید، نه‌تنها هزینه‌های مداخله‌گرایی آمریکا در مناطق گوناگون دنیا کاهش نیافته، بلکه‌مشاهدافزایش تصاعدی آن‌هستیم. ترکیب منازعات نظامی و اقتصادی در حوزه‌های راهبردی و جغرافیایی مختلف، سنخیتی با دکترین مونرو ندارد و برعکس، مصداقی از یک الگوی نامتقارن و نامتوازن در سیاست خارجی آمریکاست.

درک سیاست خارجی دولت ترامپ با سنجش نسبت تصمیمات و رفتارهای رئیس‌جمهور متوهم آمریکابایدگر دکترین‌های مسبوق‌بسابقیه با متعارف در سیاست خارجی این کشور حاصل نمی‌شود؛ در این خصوص باید بر مفهومی تحت عنوان «بحران زیست‌بودن» آمریکائی ترامپ تمرکز کرد. این مسئله حده در تحلیل ماهیت و کارکرد جنگ

تعرفه‌ای ترامپ نیز پرنگ است.

بهرارستی، خلق بحران‌های مزمن اقتصادی در نظام بین‌الملل، با هدف بهره‌گیری از آن‌ها در تضعیف چندجانبه‌گرایی تجاری و انهدام ساختار و قوانین سازمان تجارت جهانی، منبعث از یک دکترین است‌باصرفاًتئوئی «روش» برای زیستن در میان بحران‌ها به‌شمار می‌رود؟ پاسخ این سؤال می‌تواند تا حد زیادی چشم‌انداز منازعات آتی که با تکیه بر بهانه‌های گوناگون از سوی ترامپ خلق می‌شود را در برابر مخاطبان خاص و عام سیاست خارجی ایالات متحده روشن سازد.

### هر چیزی جز دکترین

اکنون جدال بر سر آن نیست که رویکرد سیاسی ترامپ با کدام دکترین رایج در عرصه حکمرانی سیاسی آمریکا (در طول تاریخ تأسیس این کشور) منسخت‌یاد، بلکه پرسش اصلی این است که آیا ما اساساً با یک «دکترین» در دوران «آمریکای ترامپ» مواجه‌هستیم یا یک «تاکتیک و فرمول رفتاری»؟ به‌طور کلی، خلق دکترین متغیری وابسته‌به‌وجودبرخی پیش‌فرض‌ها، اصول و استراتژی‌ها در ذهنیت یک سیاستمدار است. اگرچه در عرصه اقتصادی می‌توان از اصولی مانند «حمایت‌گرایی اقتصادی»، «گذار از نهادگرایی در اقتصاد بین‌الملل» و... به‌عنوان برخی مؤلفه‌های ذهنی وی یاد کرد، اما این گزاره‌های ذهنی، بیش از آنکه مولود یک اندیشه اقتصادی باشند، معلول رویکرد پراگماتیستی ترامپ در عرصه اقتصاد و تجارت هستند.

این عمل‌گرایی، بیش از آنکه تابعی از کنشگری اولیه آمریکا تلقی شود، خروجی «واکنش بازیگران نسبت به کنشگری ترامپ» است. بر همین اساس، شاهدتغییر مکرر تصمیمات‌تعرفه‌ای ترامپ در قبال دیگر کشورها و حتی تغییرسنیوسی مواضع وی در پرونده‌های حساس سیاست خارجی هستیم، تأکید می‌شود که «معامله‌گرایی» یک دکترین نیست، بلکه یک روش است. بی‌دلیل نیست که حتی نزدیک‌ترین افراد به ترامپ نیز او را فردی غیرقابل پیش‌بینی و سرگردان میان «هزینه‌ها» و «فایده‌ها» می‌دانند.

### قدر متیقن حکمرانی آمریکایی ترامپ

در توصیف و تحلیل سیاست‌گذاری اقتصادی و بین‌المللی ترامپ، قدر متیقن‌هایی وجوددارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. ترامپ تصمیمات و فعالیت‌های خود را در دو بستر «بحران‌سازی‌های مزمن» و «حفظ استراتژی ابهام» هدایت می‌کند و در مواجهه با پرونده‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نقش یک «سیاستمدار بدون منطق» را ایفا می‌نماید. البته در این خصوص، ترامپ با پاشنه آشیل مواجه است که هنوز قدرت محاسبه‌ای را پیدا نکرده است؛ این که بحران‌سازی‌های او در حوزه روابط بین‌الملل (که خود را در منازعات سیاسی، جنگ‌های نظامی و نبردهای اقتصادی نشان می‌دهد) تا چه اندازه در کنترل دائمی کاخ سفید خواهد بود؛ بسپاری از استراتژیست‌های غربی معتقدند خودبازوری کاذب ترامپ، در آینده‌ای نزدیک تبدیل به بنی‌ای اضمحلال حکمرانی سیاسی و اقتصادی خواهد شد؛ زیرا خلق بحران به معنای توانایی کنترل و مدیریت بحران نیست، این مسئله در پرونده‌هایی حساس مانند تحولات منطقه غرب آسیا، محیط پیرامونی چین و جنگ اوکراین خود را نشان خواهد داد. به‌عنوان مثال، ناتوانی محض ترامپ در پایان‌دادن به جنگ اوکراین (آن‌هم در حالی که تا پیش از ورود به کاخ سفید مدعی حل این بحران در عرض ۲۴ ساعت بود!) نشان‌دهنده عمق شکاف و فاصله‌ای است که میان «ایدئال‌های ذهنی ترامپ» و «واقعیات بیرونی» وجود دارد.

### دکترین ترکیبی یا آنارشسیسم؟

در ایسن میان، نگاه دیگری نیز در میان طرفداران رئیس‌جمهور آمریکا وجود دارد که طبق آن، ترامپ سیاستمداری با ذهن مدون و منظم است که قدرت فوق‌العاده‌ای در ترکیب دکترین‌های گذشته سیاست داخلی و خارجی کشورش دارد! این فرضیه و نگاه، بقدری کلیشه‌ای است که حتی افرادی مانند مارتک رویبو، وزیر خارجه و پیتر هگست، وزیر دفاع دولت کنونی آمریکا، نیز در عمل آن را نمی‌پذیرند. اساساً نمی‌توان ترامپ را سیاستمداری نوعی دکترین نوین و ترکیبی در سیاست خارجی آمریکا دانست؛ زیرا وقتی «اصول کلان راهبردی» در ذهن یک سیاستمدار اصالت و موضوعیتی نداشته باشد، اساساً منجر به خلق دکترین (حتی از نوع ترکیبی) نخواهد شد. شاید بهتر باشد ترامپ را نماد یک آنارشیتست در سیاست داخلی و خارجی آمریکا تلقی کنیم. همپوشانی نامتجانس پوپولیسم، آنارشسیسم و عمل‌گرایی در ذهنیت و عملکرد ترامپ سبب شده است که او حتی قدرت «توصیف پدیده‌های گذشته و جاری» در روابط بین‌الملل را از دست بدهد. زمانی که یک رئیس‌جمهور حتی در برابر پذیرش بدیهیات و واقعیات جاری و گذشته اقتصاد بین‌الملل و سیاست خارجی کشورش مقاومت می‌کند و به‌نوعی آن‌ها را پس می‌زند، تکلیف آیندمنگری و آیندپژوهی او در قبال این بحران‌ها نیز مشخص است!